

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قواعد فقہیہ ۱

«دروس تمہیدیہ فی القواعد الفقہیہ»

گرایش فقہ و اصول

«توضیح مفردات حدیث لا ضرر»

استاد: حجت الاسلام و المسلمین آل‌وستانی

آموزشیار: آقای ابوالفضل نقاش زاده

مقدمه

در بحث از قاعده لا ضرر که یکی از قواعد فقهی مهم می باشد بحث هایی در رابطه با حدیث لا ضرر حول مضمون، مدرک و اختلاف موجود در نقل های این حدیث مطرح شد.

بحث بعدی که در سیر بررسی این حدیث لازم است به آن پرداخته شود بیان معنای مفردات این حدیث است. در حدیث «لا ضرار و لا ضرار» از دو کلمه «ضرر» و «ضرار» استفاده شده است. در این درس، ابتدا بیان مقصود از «ضرر» ذکر می شود. از جمله این که «ضرر» اختصاص به خسارت جانی، مالی و آبرویی ندارد، بلکه مانع شدن از به کارگیری حقوقی که توسط شارع یا عقلا برای اشخاص در نظر گرفته شده است نیز نوعی ضرر محسوب می شود. در ادامه به بخشی از تفاوت این در لفظ با هم اشاره و در درس بعد این بحث تکمیل خواهد شد.

متن عربي

٥- توضيح مفردات الحديث

اشتمل الحديث على كلمة «ضرر» و «ضرار»، و لا بدّ من توضيح المقصود منهما. أمّا الضرر فقد ذكر غير واحد أنّه النقص في المال أو البدن أو العرض. و قد يقيّد ذلك بما إذا كان النقص موجبا لوقوع الشّخص في الضيق و الشدّة؛ فالتاجر الذي يملك الملايين إذا ضاع منه بعض الدنانير لا يصدق عليه أنّه تضرر، بخلاف ذلك في الفقير. و المناسب عدم تخصيص الضرر بالنقص في أحد الأمور الثلاثة المتقدمة، بل تعميمه للنقص في الحق أيضا؛ فمن كان له حق عقلائي و شرعي في قضية معينة فالمنع من ممارسته لحقه المذكور ضرر أيضا. فمثلا من حق الشخص أن يعيش في داره حرّاً و الحيلولة دون ممارسة حقه - كما حال سمرة دون أعمال الأنصاري حقه هذا في داره - ضرر. و من حق كل إنسان ممارسة أي عمل شرعي كالتصدير و الاستيراد و نحو ذلك من الأعمال، و الحيلولة دون ذلك ضرر فيما إذا لم يشكّل ذلك خطرا من ناحية أخرى.

و أمّا مثل حق الطباعة و النشر و التأليف و حقّ الاختراع و أمثال ذلك من الحقوق المتداولة في يومنا هذا فهي لو ثبت كونها حقوقا عقلائية و شرعية لأمكن أن تعدّ طباعة الغير للكتاب تضييعا لحق دار النشر و الطباعة و من ثمّ يلزم أن يكون ذلك محرما، إلّا أن كون هذه حقوقا عقلائية و شرعية لأصحابها أوّل الكلام،

فإن كل دار نشر لديها جهاز خاص بالطباعة لنفسها، و لها حقّ التصرف في جهازها و أوراقها و الأدوات الخاصة بها و الحيلولة دون ممارسة حقّها هذا هو الذي يعدّ ضررا، و إذا مارست حقها هذا لم يعد ذلك إضرارا بدار النشر التي احتفظت بهذا الحق لنفسها، فإنّ هذا الحق الذي احتفظت به لنفسها ليس حقا في نظر الشرع و العقلاء؛ و أيّ حق يتولد بمجرد الكتابة على صفحة الغلاف: أن حقوق الطبع محفوظة لدار النشر؟! و هل يحتمل أن طبعه للكتاب قبل غيره و مسارعتة إلى ذلك يوّلد له حقا؟! إن ذلك مضحك. و بالجملة نحن نسلم أن بعض هذه أو كلها لو ثبت كونها حقوقا عقلائية و شرعية فالتجاوز عليها ضرر، إلّا أن الكلام في كونها حقوقا.

و المهم في النتيجة التي نريد الخروج بها هي: أن الضرر لا يختص بالنقص في المال أو العرض أو البدن، بل التجاوز على حقوق الآخرين و التعديّ عليها ضرر أيضا.

الفرق بين الضرر و الضرار

عرفنا فيما سبق أن مادة الضرر- أي كلمة ضرر- تدل على النقص و كلتا الكلمتين تشتركان في هذا المعنى و ذلك نقطة اشتراك بينهما و لكن ما هي مادة الامتياز؟

فمثلا كلمة كتب و كاتب تشتركان في الدلالة على أصل الكتابة و لكن بالرغم من هذا الاشتراك تمتاز كل واحدة عن الأخرى في نقطة و هي أن كتب تدل على الكتابة بنحو تلبس الفاعل بها في الزمن السابق و هذا بخلاف كاتب فإنّها تدل على التلبس الفعلي من دون دلالة على الزمن.

و السؤال في مقامنا عن الفارق بين كلمة ضرر و ضرار بعد اشتراكهما في الدلالة على أصل النقص.

و يمكن أن يفرّق بينهما بان الضرر اسم مصدر، بينما الضرار مصدر. و الفارق بين المصدر و اسمه هو: أن الكلمة تارة تدل على مجرد الحدث مع قطع النظر عن حيثية صدور من الفاعل، أو بالأحرى من دون دلالتها على النسبة إلى الفاعل، و أخرى تدل عليه مع ملاحظة حيثية صدور من الفاعل. و الأوّل هو اسم المصدر و الثاني هو المصدر. فمثلا العلم إذا لوحظ منسوباً إلى الفاعل و قيل علم زيد بالقضية ثابت فهو مصدر، أمّا إذا قيل العلم خير من الجهل فهو اسم مصدر.

و غالبا لا فرق بين المصدر و اسمه في اللفظ في اللغة العربية، بينما على العكس في اللغة الفارسية، حيث يختم المصدر بالنون بخلاف اسم المصدر فيقال: «گفتن و گفتار و رفتن و رفتار و کشتن و کشتار و کتک و زدن و ...».

و إذا أردنا أن نمثل للمصدر و اسمه المختلفين في اللغة العربية فيمكن أن نمثل بالضرر و الضرار؛ فإن الضرر هو نفس النقص بلا لحاظ حيثية صدور من الفاعل، فحينما يقال: ضرر فلان عظيم يقصد أن نفس النقيصة فاحشة و عظيمة، و لا يراد أن النقيصة

التي أدخلها و فعلها فلان عظيمة. إنّ حيثية فعلها من فلان أو فلان ليست ملحوظة، و إنّما الملحوظ هو النقص بما هو نقص بقطع النظر عن صدوره من هذا أو ذاك. و هذا كله بخلاف الضرار فإن حيثية الصدور من الفاعل ملحوظة، فيقال: ضرار فلان عظيم. أي: إنّ الضرر الذي قام به فلان و صدر منه عظيم.

توضیح کلمات حدیث لا ضرر

در حدیث «لا ضرر و لا ضرار» از دو کلمه «ضرر» و «ضرار» استفاده شده است و قبل از هر چیز باید معنای این دو کلمه مشخص شود.

بسیاری از علما فرموده‌اند «ضرر» به خسارت در مال، بدن و یا آبرو اطلاق می‌شود. برخی قید دیگری را نیز به این خسارت افزوده و گفته‌اند خسارت حاصل شده باید به گونه‌ای باشد که شخص را به سختی و تنگدستی بیندازد، بنابراین شخصی که سرمایه میلیونی دارد، چنانچه چند درهم از او تلف شود، نمی‌توان گفت مرتکب ضرر شده است، در حالی که اگر همین چند درهم از شخص فقیری تباه شود همه او را متضرر می‌دانند.

آنچه مناسب به نظر می‌رسد این است که ضرر اختصاص به خسارت در مال، بدن و یا آبرو ندارد، بلکه شامل حق نیز می‌شود. لذا اگر شرع مقدس و یا عقلا حق معینی را برای اشخاص در نظر بگیرند، مانع شدن از به کارگیری این حق ضرر به حساب می‌آید.

به طور مثال حق هر انسانی این است که در خانه خود به صورت آزادانه زندگی کند و مانع شدن از این کار ضرر محسوب می‌شود. چنانکه رفت و آمد سمره بن جندب، مانع این حق شده و آسایش مرد انصاری و خانواده وی را سلب نموده بود و به همین خاطر رسول مکرم اسلام (ص) آن را از مصادیق ضرر به حساب آورده و اجازه قطع درخت وی را صادر نمودند. بنابراین هر انسانی حق دارد هر عملی را که شرع مقدس به او اجازه داده است آزادانه انجام دهد و اگر کسی مانع به کارگیری این حق گردد، ضرر به حساب می‌آید.

آیا هر اختصاصی، مصداق حق است!

اگر شرع مقدس و یا عقلا حق معینی را برای اشخاص در نظر گرفته باشند، مانع شدن از به کارگیری آن حق ضرر محسوب می‌شود. اما امروزه نسبت به اموری از تعبیر حق استفاده می‌شود که اصل حق بودن آنها محل تردید است؛ مانند حق چاپ، حق نشر، حق تألیف، حق اختراع و نوآوری و ... چنانچه شرعی و عقلایی بودن این حقوق ثابت گردد، تباه نمودن آنها ضرر به حساب آمده و حرام است؛ مانند آنکه ناشری بدون اجازه ناشر کتاب، اقدام به چاپ و توزیع کتاب او نماید.

اما شرعی و عقلایی بودن این حقوق، اول کلام و محل شک و تردید است و باید روشن شود این موارد در عقل و شرع حق محسوب می‌شوند یا نه! چرا که به طور مثال، هر ناشری وسایل و ابزاری را جهت نشر و چاپ کتاب فراهم آورده است و به طور طبیعی حق دارد از این ابزار در راستای نشر و چاپ کتاب استفاده نماید و اگر جلوی کار نشر و چاپ وی گرفته شود، این حق تلف شده و ضرر به حساب می‌آید. در حالی که چنانچه از این حق خود استفاده کرده و کتابی را که نخست توسط ناشر دیگری به چاپ رسیده چاپ نماید، تباه‌سازی حق ناشر قبلی محسوب نمی‌شود؛ زیرا حق نشر و حق چاپ و نظایر آن هیچ دلیل و پشتوانه شرعی و عقلایی ندارد و صرف اینکه ناشری زودتر از دیگران اقدام به چاپ و نشر نموده و یا اینکه پشت جلد کتاب نوشته شده است: «حق چاپ برای ناشر محفوظ است» حقی ایجاد نمی‌کند.^۱

نتیجه: آنچه از بیان این مطلب مد نظر است، بیان ضرر می‌باشد و اینکه آیا همان طور که نزد علماء معروف است فقط نقص در مال و بدن و آبرو را شامل می‌شود یا شامل موارد دیگر مثل حقوق اختصاصی افراد نیز هست؟ از توضیحات ذکر شده به دست می‌آید که ضرر اختصاص به نقص درمان و بدن و آبرو نداشته بلکه شامل تجاوز به حقوق دیگران نیز می‌شود.

۱. اگر اشکال شود: چگونه مؤلف کتاب حقی نداشته باشد، در حالی که تلاش فکری بسیاری را در راستای خلق کتاب به کار بسته است؟! جواب می‌دهیم لازمه این اشکال آن است که دیگران نیز حق استفاده از مطالب علمی درون کتاب و نقل آن و استناد به مطالب آن را نداشته باشند و بطلان این امر واضح و روشن است.

مراد از «ضرر»

۱. نقص در مال
۲. نقص در بدن
۳. نقص در آبرو
۴. تجاوز به حقوق دیگران

تطبيق

۵- توضیح مفردات الحدیث

اشتمل الحدیث علی کلمة «ضرر» و «ضرار» و لا بد من توضیح المقصود منهما.

۵- توضیح الفاظ حدیث

حدیث «لا ضرر» مشتمل بر دو کلمه «ضرر» و «ضرار» می‌باشد و باید منظور از آن دو روشن شود.

أما الضرر فقد ذكر غير واحد أنه النقص في المال أو البدن أو العرض و قد يُقيد ذلك بما إذا كان النقص موجبا لوقوع الشخص في الضيق و الشدة؛

اما ضرر، بسیاری از علما فرموده‌اند که (مقصود از) آن، خسارت در مال یا بدن یا آبرو است و گاهی مقید به زمانی می‌شود که منجر به افتادن شخص در تنگدستی و سختی شود؛

فالتاجر الذي يملك الملايين إذا ضاع منه بعض الدنانير لا يصدق عليه أنه تضرر، بخلاف ذلك في الفقير.

پس اگر از تاجری که مالک میلیون‌ها سرمایه است، چند دینار تلف شود، بر او صدق نمی‌کند که دچار ضرر شده است، بر خلاف تلف شدن چند دینار از فقیر.

و المناسب عدم تخصيص الضرر بالنقص في أحد الأمور الثلاثة المتقدمة، بل تعميمه للنقص في الحق أيضاً؛ فمن كان له حق عقلائي و شرعي في قضية معينة فالمنع من ممارسته لحقه المذكور ضرر أيضاً.

مناسب عدم اختصاص ضرر به خسارت در یکی از امور سه گانه گذشته است، بلکه شامل خسارت وارد شدن در حق نیز بگردد؛ پس هر کس در مسأله معینی دارای یک حق عقلایی و شرعی باشد، محروم ساختن وی از استفاده از حق مذکور نیز ضرر به حساب می‌آید.

فمثلاً من حق الشخص أن يعيش في داره حراً و الحيلولة دون ممارسته حقه - كما حال سمره دون أعمال الأنصاري حقه هذا في داره - ضرر.

به طور مثال، یکی از حقوق انسان این است که در خانه خود به صورت آزادانه زندگی نماید و مانع وی شدن در هنگام استفاده از حقش - مانند سمره که مانع استفاده مرد انصاری از این حق خود در خانه اش بود - ضرر به حساب می‌آید.

و من حق كل إنسان ممارسة أي عمل شرعي كالتصدير و الاستيراد و نحو ذلك من الأعمال و الحيلولة دون ذلك ضرر فيما إذا لم يشكّل ذلك خطراً من ناحية أخرى.

و از جمله حقوق هر انسانی، پرداختن به هر کاری است که شرعی باشد مانند محکم نمودن کمر بند، ورود و خروج در منزل و کارهایی مانند آن و مانع شدن وی به هنگام این کارها ضرر به حساب می‌آید، البته اگر آن کار از ناحیه دیگری خطر به وجود نیاورد.

و أما مثل حق الطباعة و النشر و التأليف و حق الاختراع و أمثال ذلك من الحقوق المتداولة في يومنا هذا فهي لو ثبت كونها حقوقاً عقلائية و شرعيةً لأمكن أن تعدّ طباعة الغير للكتاب تضييعاً لحق دار النشر و الطباعة

اما مثل حق چاپ و حق نشر و حق تألیف و حق نوآوری و مانند آنها از حقوقی که امروز رایج می‌باشند، اگر این حقوق عقلایی و شرعی بودنشان ثابت گردد، ممکن است چاپ کتاب توسط دیگری تباہ‌سازی حق مرکز نشر و چاپ به شمار آید.

و من ثم يلزم أن يكون ذلك محرماً، إلا أن كون هذه حقوقاً عقلائية و شرعية لأصحابها أول الكلام، فإن كل دار نشر لديها جهاز خاص بالطباعة لنفسها

و از همین جا لازم می آید چاپ کتاب حرام باشد، اما اینکه این حقوق، حقوقی عقلائی و شرعی برای صاحبان آن باشد اول بحث است؛ چرا که نزد هر مرکز نشری وسائلی وجود دارد که به چاپ برای آن مرکز اختصاص دارد

و لها حق التصرف في جهازها و أوراقها و الأدوات الخاصة بها و الحيلولة دون ممارسة حقها هذا هو الذي يعد ضرراً و إذا مارست حقها هذا لم يعد ذلك إضراراً بدار النشر التي احتفظت بهذا الحق لنفسها،

و برای آن مرکز این حق وجود دارد که در وسائل و کاغذهای خود و ابزاری که به آن مرکز اختصاص دارد، تصرف نماید و مانع شدن آن مرکز به هنگام به کار بستن این حق، ضرر شمرده می شود و اگر آن مرکز چنین حقی را به کار بندد، ضرررسانی به مرکز نشری که این حق را برای خود محفوظ دانسته است به شمار نمی رود،

فإن هذا الحق الذي احتفظت به لنفسها ليس حقاً في نظر الشرع و العقلاء؛ و أي حق يتولد بمجرد الكتابة على صفحة الغلاف: أن حقوق الطبع محفوظة لدار النشر؟!!

چرا که این حقی که آن مرکز نشر برای خود محفوظ دانسته است، از دید شرع و عقلا حق نیست و به صرف اینکه روی صفحه جلد کتاب نوشته شود: «حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است» چه حقی ایجاد می شود؟!!

و هل يحتمل أن طبعه للكتاب قبل غيره و مسارعتة إلى ذلك يوئد له حقاً؟! إن ذلك مضحك. و بالجملة نحن نسلم أن بعض هذه أو كلها لو ثبت كونها حقوقاً عقلائية و شرعية فالتجاوز عليها ضرراً، إلا أن الكلام في كونها حقوقاً.

و آیا احتمال داده می شود که چاپ کتاب توسط آن مرکز قبل از ناشرین دیگر و پیشی گرفتن آن مرکز به سوی چاپ، برایش حقی ایجاد نماید؟! این احتمال خنده دار است. و به طور خلاصه، ما قبول داریم که اگر عقلائی و شرعی بودن بعضی از این امور یا تمامی آنها ثابت شود، تجاوز به آنها ضرر به حساب می آید، اما بحث در حق بودن این امور است.

و المهم في النتيجة التي تُريد الخروج بها هي: أن الضرر لا يختص بالنقص في المال أو العرض أو البدن، بل التجاوز على حقوق الآخرين و التعدي عليها ضرراً أيضاً.

و آنچه در نتیجه ای که رسیدن به آن را اراده کرده ایم اهمیت دارد این است که: ضرر اختصاص به خسارت در مال یا آبرو یا بدن ندارد، بلکه تجاوز نمودن بر حقوق دیگران و تعدی بر آنها نیز ضرر به حساب می آید.

Scو١:١٦:١٠

تفاوت بین ضرر و ضرار

از مباحث گذشته مشخص شد که ماده «ضرر» به معنای وارد کردن «نقص» و خسارت است و «ضرر» و «ضرار» هر دو از این جهت در معنی «نقص» مشترکند. اما باید دید تفاوت میان آن دو چیست.

علت طرح این بحث آن است که در ادبیات عرب، ساختار و هیئت های مختلف بیانگر معانی مختلف می باشند. به طور مثال، «کتب» و «کاتب» هر دو در اصل معنای کتابت و نوشتن مشترکند، اما «کتب» فعل ماضی بوده و بر وقوع نوشتن در زمان گذشته دلالت دارد، در حالی که «کاتب» اسم فاعل می باشد و متبادر از آن این است که شخص در حال حاضر مشغول نوشتن است، اگرچه به لحاظ وضع لغت دلالت بر زمان خاصی ندارد.

ممکن است بین کلمه «ضرر» و «ضرار» این گونه فرق بگذاریم که «ضرر» اسم مصدر و «ضرار» مصدر است. مصدر و اسم مصدر هر دو دلالت بر حدوث دارند، با این تفاوت که در مصدر جنبه صدور حدث از فاعل نیز لحاظ می شود، ولی در اسم مصدر لحاظ نمی شود.^۱ به طور مثال، اگر گفته شود «علم زید به فلان ماجرا ثابت است»، «علم» مصدر است اما اگر بگوییم «علم از نادانی بهتر است»، «علم» اسم مصدر است.

۱. به تعبیر دیگر، استعمال مصدر به صورت حمل شایع صناعی و استعمال اسم مصدر به صورت حمل ذاتی اولی است.

در ادبیات عرب غالباً بین مصدر و اسم مصدر از لحاظ ساختار و هیئت تفاوتی وجود ندارد، اما در ادبیات فارسی بین مصدر و اسم مصدر در ساختار و هیئت تفاوت وجود دارد و در انتهای مصدر، حرف «نون» اضافه می‌شود. به طور مثال، «گفتن» مصدر و «گفتار» اسم مصدر است، «رفتن» مصدر و «رفتار» اسم مصدر است، «کشتن» مصدر و «کشتار» اسم مصدر است. اگر بخواهیم مثالی از ادبیات عرب بزنیم که بین مصدر و اسم مصدر به لحاظ ساختار و هیئت تفاوت وجود داشته باشد، می‌توانیم مثال «ضرر» و «ضِرار» را بیان کنیم؛ چرا که «ضرر» به خود خسارت اطلاق می‌گردد، بدون آنکه جنبه صدور آن از فاعل لحاظ شده باشد، اما در «ضِرار» جنبه صدور از فاعل نیز لحاظ شده است. لذا وقتی گفته می‌شود: «ضرر فلانی بزرگ است»، مقصود خود خسارت است بدون اینکه واردکننده خسارت لحاظ شده باشد، اما زمانی که می‌گوییم «ضِرار فلانی بزرگ است»، مقصود خسارتی است که فلان شخص وارد نموده است. مصنف در ادامه در مورد معنای ضِرار بحث می‌کنند که در جلسه بعد به این بحث خواهیم پرداخت.

اشتراک ← هر دو به معنی «نقص» می‌باشند.

اشتراک و افتراق
کلمه «ضرر» و «ضِرار»
افتراق ← ضرر ← اسم مصدر است
ضِرار ← مصدر است

تطبیق

الفرق بین الضرر و الضِرار

عَرَفْنَا فِيهَا سَبَقَ أَنَّ مَادَّةَ الضَّرْرِ - أَي كَلِمَةَ ضَرَرٍ - تَدُلُّ عَلَى النِّقْصِ وَ كِلْتَا الْكَلِمَتَيْنِ تَشْتَرِكَانِ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَ ذَلِكَ نَقْطَةٌ اشْتِرَاكٍ بَيْنَهُمَا وَ لَكِنَّ مَا هِيَ مَادَّةُ الْاِمْتِيَازِ؟

تفاوت بین ضرر و ضِرار

در مطالب گذشته دانستیم ماده ضرر - یعنی لغت ضرر - بر خسارت دلالت می‌کند و هر دو لغت (ضرر و ضِرار) در این معنا شریک می‌باشند و آن (معنا) مرکز اشتراک بین آن دو است، اما وجه تفاوت بین آن دو چیست؟

فَمَثَلًا كَلِمَةُ كَتَبَ وَ كَاتَبُ تَشْتَرِكَانِ فِي الدَّلَالَةِ عَلَى أَصْلِ الْكِتَابَةِ وَ لَكِنْ بِالرَّغْمِ مِنْ هَذَا الْاِشْتِرَاكِ تَمْتَازُ كُلُّ وَاحِدَةٍ عَنِ الْآخَرَى فِي نَقْطَةٍ وَ هِيَ أَنَّ كَتَبَ تَدُلُّ عَلَى الْكِتَابَةِ بِنَحْوِ تَلَبَّسِ الْفَاعِلِ بِهَا فِي الزَّمَنِ السَّابِقِ بِهَ طُورٍ مِثَالٍ، كَلِمَةُ «كَتَبَ» وَ «كَاتَبَ» فِي دِلَالَتِهِمَا بِرِ اَصْلِ نَوْشْتَنِ مَشْتَرِكِنْدِ، اَمَّا بِا وَجُودِ اِشْتِرَاكِ هَرِ يَكِ فِي مَحْوَرِ اَزِ دِيْغِرِي جِدا مِي شُودِ وَ اَن مَحْوَرِ اِينِ اسْتِ كِه دِلَالَتِ «كَتَبَ» بِرِ نَوْشْتَنِ بِه شَكْلِ مَشْغُولِ شَدَنِ فَاعِلِ بِه كَارِ نَوْشْتَنِ فِي زَمَانِ گِذِشْتِه اسْتِ

وَ هَذَا بِخِلَافِ كَاتَبُ فَإِنَّهَا تَدُلُّ عَلَى التَّلَبُّسِ الْفِعْلِيِّ مِنْ دُونِ دِلَالَةِ عَلَى الزَّمَنِ. وَ السُّؤَالُ فِي مَقَامِنَا عَنِ الْفَارِقِ بَيْنَ كَلِمَةِ ضَرَرٍ وَ ضِرَارٍ بَعْدَ اِشْتِرَاكِهِمَا فِي الدَّلَالَةِ عَلَى أَصْلِ النِّقْصِ.

و این بر خلاف کلمه «کاتَب» است؛ چرا که «کاتَب» بر مشغول بودن به کتابت دلالت دارد، بدون دلالت بر زمان. و در این مقام، سؤال از تفاوت بین ضرر و ضِرار بعد از اشتراک آن دو در دلالت بر اصل خسارت است.

وَ يُمَكِّنُ أَنْ يُفَرَّقَ بَيْنَهُمَا بِأَنَّ الضَّرَرَ اسْمٌ مُصَدَّرٌ، بَيْنَمَا الضِّرَارُ مُصَدَّرٌ. وَ الْفَارِقُ بَيْنَ الْمَصْدَرِ وَ اسْمِهِ هُوَ: أَنَّ الْكَلِمَةَ تَارَةً تَدُلُّ عَلَى مُجَرَّدِ الْحَدَثِ مَعَ قَطْعِ النَّظَرِ عَنِ حَيْثِيَّةِ صُدُورِهِ مِنَ الْفَاعِلِ،

و ممکن است بین آن دو این گونه تفاوت گذاشته شود که ضرر اسم مصدر است در حالی که ضِرار مصدر است. و فرق بین مصدر و اسم مصدر آن است که گاهی کلمه بر صرف انجام کار دلالت دارد با چشم پوشی از جنبه صدور آن کار از فاعل،

أَوْ بِالْآخَرَى مِنْ دُونِ دِلَالَتِهَا عَلَى النَّسْبَةِ إِلَى الْفَاعِلِ وَ أُخْرَى تَدُلُّ عَلَيْهِ مَعَ مَلَا حِظَّةٍ حَيْثِيَّةٍ صُدُورِهِ مِنَ الْفَاعِلِ. وَ الْأَوَّلُ هُوَ اسْمُ الْمَصْدَرِ وَ الثَّانِي هُوَ الْمَصْدَرُ.

یا به بیان بهتر بدون دلالت بر نسبت کار به فاعل و گاهی با در نظر گرفتن جنبه صدور کار از فاعل بر انجام کار دلالت دارد و اولی اسم مصدر و دومی مصدر است.

فمثلاً العلم إذا لوحظ منسوباً إلى الفاعل وقيل علم زيد بالقضية ثابت فهو مصدر، أما إذا قيل العلم خير من الجهل فهو اسم مصدر.

به طور مثال، زمانی که «علم» با نسبت به فاعل در نظر گرفته شود و گفته شود «علم زید به ماجرا ثابت است»، «علم» مصدر است، اما هنگامی که گفته شود «علم از نادانی بهتر است»، «علم» اسم مصدر است.

و غالباً لا فرق بين المصدر و اسمه في اللفظ في اللغة العربية، بينما على العكس في اللغة الفارسية، حيث يُختم المصدر بالنون بخلاف اسم المصدر فيقال: «گفتن و گفتار و رفتن و رفتار و کشتن و کشتار و کتک و زدن و ...».

و در زبان عربی غالباً بین مصدر و اسم مصدر تفاوت لفظی نیست، در حالی که زبان فارسی عکس آن است؛ زیرا مصدر بر خلاف اسم مصدر به «نون» ختم می‌گردد، در نتیجه گفته می‌شود: «گفتن و گفتار، رفتن و رفتار، کشتن و کشتار، کتک و زدن و ...».

و إذا أردنا أن نمثل للمصدر و اسمه المختلفين في اللغة العربية فيمكن أن نمثل بالضرر و الضرار؛ فإن الضرر هو نفس النقص بلا لحاظ حيثية صدوره من الفاعل،

اگر بخواهیم برای مصدر و اسم مصدری که در زبان عربی متفاوتند مثال بزنیم، می‌توانیم به ضرر و ضرار مثال بزنیم؛ چرا که ضرر همان نقص است بدون در نظر گرفتن جهت صدور آن از فاعل،

فحينما يقال: ضرر فلان عظيم يقصد أن نفس النقص فاحشة و عظيمة و لا يراد أن النقص التي أدخلها و فعلها فلان عظيمة.

پس زمانی که گفته می‌شود: ضرر فلانی بزرگ است، مقصود آن است که خود خسارت، زیاد و بزرگ است و اراده نشده خسارتی که فلان شخص وارد نموده و انجام داده بزرگ است.

إن حيثية فعلها من فلان أو فلان ليست ملحوظة، و إنما الملحوظ هو النقص بما هو نقص بقطع النظر عن صدوره من هذا أو ذاك.

جهت انجام خسارت از فلان شخص یا فلان شخص (دیگر) در نظر گرفته نشده است و تنها خسارت از آن جهت که خسارت است، با چشم پوشی از صدور آن از این شخص یا آن شخص در نظر گرفته شده است.

و هذا كله بخلاف الضرار فإن حيثية الصدور من الفاعل ملحوظة، فيقال: ضرار فلان عظيم. أي: إن الضرر الذي قام به فلان و صدر منه عظيم.

و تمام این‌ها بر خلاف ضرار است؛ چرا که جهت صدور از فاعل در نظر گرفته شده است، در نتیجه گفته می‌شود: ضرار فلانی بزرگ است، یعنی خسارتی که فلانی انجام داد و از او صادر گردید، بزرگ است.

Sco۲:۲۹:۲۳

چکیده

۱. «ضرر» نزد بسیاری از علماء به معنای خسارت در مال، بدن و یا آبرو است و برخی گفته‌اند خسارت باید به گونه‌ای باشد که شخص را به سختی و تنگدستی بیندازد.
۲. چنانچه شرعی و عقلایی بودن حقوقی همچون حق چاپ و نشر، حق تألیف و حق اختراع ثابت گردد، تباه نمودن آنها ضرر به حساب آمده و حرام است، اما اصل حق بودن این امور محل تردید است.
۳. نزد مصنف؛ ضرر اختصاص به نقص در مال، جان و آبرو نداشته بلکه شامل تجاوز به حقوق دیگران نیز می‌شود.
۴. نقطه اشتراک «ضرر» و «ضرار» در این است که هر دو به معنای نقص اند و فرق آنها این است که «ضرر» اسم مصدر است اما «ضرار» مصدر.

آزمون

۱. چنانچه شرعی و عقلایی بودن حقوقی همچون حق چاپ و نشر، حق تألیف و حق اختراع، ثابت گردد، تباه نمودن آنها ضرر به حساب آمده و حرام است، اما اصل حق بودن این امور محل تردید است.

پاسخ: درست

▼
درست
نادرست

۲. نزد مصنف ضرر اختصاص دارد به نقص عظیم در مال، جان، آبرو یا تجاوز به حق دیگران.

پاسخ: نادرست

▼
درست
نادرست

۳. وجه اشتراک «ضرر» و «ضرار» چیست؟

الف) دلالت بر حرمت نقص

ب) دلالت بر نقص

ج) دلالت بر کراهت نقص

د) دلالت بر عظمت نقص

۴. «ضرر» و «ضرار» به ترتیب چه ساختاری دارند؟

الف) مصدر - اسم مصدر

ب) مصدر - مصدر

ج) اسم مصدر - مصدر

د) اسم مصدر - اسم مصدر

۵. گزینه صحیح در مورد «منع از زندگی آزاد فرد در خانه اش» طبق بیان مصنف کدام است؟

الف) ضرر نیست، چون خسارت نیست

ب) ضرر است، چون خسارت در مال اوست

ج) ضرر است، چون تجاوز به حق اوست

د) ضرر نیست، چون خسارت در مال او نیست